

نهاد شیخ الاسلام در دولت عثمانی

تألیف: اکرم کیدو

مترجمان: سید محمد رضی مصطفوی نیا

(عضو هیأت علمی دانشگاه قم)

و

نسن حضرتی

(عضو هیأت علمی دانشگاه تهران)

ویراستار: دکتر آقابالا زاده شللو



موسسه و انتشارات ندای تاریخ

سرشناسه: کیدو، اکرم. Kido, Akram

عنوان و نام پدیدآور: نهاد شیخ الاسلام در دولت عثمانی / تألیف اکرم کیدو؛ مترجمان سیدمحمدرضی مصطفوی‌نیا، حسن حضرتی؛ ویراستار رقیه آقابالا زاده شللو.

مشخصات نشر: تهران، ندای تاریخ، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۹۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۵۳۸-۵-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: اثر اصلی به زبان آلمانی بوده و این کتاب از متن عربی با عنوان "موسسه شیخ الاسلام فی الدوله العثمانیه" رسی برگردانده شده است.

پیشگفتار: کتابنامه

موضوع: اسلام - اسلامی - ترکیه

موضوع: مجادان - ملما - ترکیه - تاریخ

موضوع: اسلام - ترکیه

موضوع: اسلام و سیاست - ترکیه

موضوع: ترکیه - تاریخ - امپراتوری عثمانی، ۱۸۸۰-۱۹۱۸

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۹۱۳۹۵/۹۱۵/۹۱۵

رده‌بندی دیویدی: ۲۹۷/۰۶۰۹۵۶۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۰۴۵۱۱



نام کتاب: نهاد شیخ الاسلام در دولت عثمانی

نویسنده: اکرم کیدو

مترجم: حسن حضرتی، سیدمحمدرضی مصطفوی‌نیا

ویراستار: رقیه آقابالا زاده شللو

حروفچینی، صفحه آرایی، نظارت و لیتوگرافی: موسسه و انتشارات ندای تاریخ

طرح جلد: زینب دین محمدی

چاپ و صحافی: روز

چاپ اول: ۱۳۹۵، تیراژ: ۱۰۰۰

کلیه حقوق این اثر در اختیار موسسه و انتشارات ندای تاریخ است. قیمت: ۱۶۰۰۰۰ ریال

فهرست

۱	مقدمه (اکرم کیدو)
ج	مقدمه هاشم الایوبی
و	مقدمه ترجمان
	بخش نخست: نگاهی گذرا به سامان‌دهی امور معنوی، قضائی و تربیتی در
۱۳	دولت عثمانی
۱۶	قاضیان
۱۶	ملأهای کبار
۱۸	ملأهای صغار (کوچک)
۱۸	مفتیان
۱۹	قاضیان (دادگاه‌ها)
۱۹	نواب و نمایندگان رسمی قاضیان
۲۴	مفتی‌ها
۲۵	خادمان مساجد
۲۸	واعظان یا شیوخ
۲۵	خطیبان
۲۶	انجمن جماعات
۲۶	مؤذنین
۲۶	خادمان مسجد
۲۷	نقیب‌الاشراف
۲۹	دراویش

۳۳	بخش دوم: پیدایش نهاد شیخ الاسلام و جایگاه آن در میان علما
۳۵	لقب شیخ الاسلام
۳۷	تأسیس نهاد شیخ الاسلام
۴۲	برخی از آرا درباره علل و دلایل شکل گیری نهاد شیخ الاسلام
۴۵	اوضاع داخلی دولت عثمانی
۴۶	اوضاع خارجی دولت
۴۹	جایگاه شیخ الاسلام [در ساختار دولت عثمانی]
۵۱	زمان نصب شیخ الاسلام
۵۶	مراسم انتخاب
۵۸	پایان خدمت شیخ الاسلام
۶۷	عزل‌های منجر به تنزل شیخ الاسلام گردید
۷۰	مراسم تدفین شیخ الاسلام
۷۱	اداره و شخصیت اداری شیخ الاسلام
۷۵	حقوق شیخ الاسلام
۷۸	لباس شیخ الاسلام
۷۹	القاب رسمی شیخ الاسلام
۸۳	دیدارهای رسمی شیخ الاسلام و شرکت در مجلس
۹۱	بخش سوم: وظایف شیخ الاسلام
۹۴	شیخ الاسلام و انتصابات در نهاد دین
۱۰۰	مفتی و امور مربوط به صدور فتوا
۱۰۱	فرق بین فتوا و قضا
۱۰۷	فتوای شیخ الاسلام
۱۰۸	[نحوه] صدور فتوای شیخ الاسلام
۱۰۹	مشخصات فتوای شیخ الاسلام (نمونه)

۱۱۰	بیان مسئله
۱۱۱	سوال
۱۱۲	نام‌هایی که در فتوا ذکر می‌شوند
۱۱۲	درخواست جواب
۱۱۲	مقدمه جواب
۱۱۳	جواب
۱۱۴	امضای شیخ الاسلام
۱۱۵	مجموعه فتاواها
۱۱۶	شیخ الاسلام به عنوان استاد یا قاضی و یا امام جماعت سرای
۱۱۶	شیخ الاسلام به عنوان استاد
۱۱۹	شیخ الاسلام به عنوان امام جماعت سرای
۱۲۳	بخش چهارم: موقعیت سیاسی شیخ الاسلام
۱۲۶	جایگاه شیخ الاسلام در ساختار حکومت و روابط سلطان و شیخ الاسلام
۱۲۸	نقش شیخ الاسلام در انتخاب و استعفاى صدر اعظم‌ها
۱۳۱	مشارکت در امور دولتی
۱۳۱	شرکت شیخ الاسلام در مجلس مشورتنی
۱۳۲	نقش شیخ الاسلام در هنگام اعلان جنگ
۱۳۵	شرکت شیخ الاسلام در لشکرکشی‌ها
۱۳۷	نقش شیخ الاسلام در اصلاحات حکومتی
۱۳۹	نقش شیخ الاسلام در منازعات سیاسی داخلی
۱۴۸	نقش شیخ الاسلام به عنوان داور در اختلاف نظرهای فقهی
۱۴۹	تأثیر شیخ الاسلام‌ها بر عادات و شیوه زندگی
۱۵۲	موضع‌گیری شیخ الاسلام‌ها نسبت به صوفیه
۱۵۶	موضع‌گیری شیخ الاسلام در مقابل مسیحی‌ها

۱۶۱

پیوست‌ها

۱۶۲

۱ - فهرست شیخ الاسلام‌های یاد شده در متن کتاب

۱۶۳

الف) شیخ الاسلام‌ها و مفتیان غیررسمی

۱۶۴

ب) شیخ الاسلام‌ها و مفتی‌های رسمی

www.ketab.ir

مقدمه (اکرم کیدو)

درباره تاریخ عمومی دولت عثمانی پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است؛ اما بیشتر آنها گزارشی از رویدادهای تاریخی و همچنین شرح سیاست‌ها و حاکمان عثمانی است؛ اما از پژوهش درباره ساختار اداری، نهادها و زیرساخت‌های فکری آن غفلت می‌شود. به جز فعالیت‌های اندک پژوهش‌روشنند و هدفمند در این زمینه انجام نگرفته است. هرچون که پژوهشی جدی درباره نهاد روحانیت که معرف ساختار حقوقی، فقهی و دینی دولت عثمانی است، صورت نگرفته، هنگام بحث درباره دولت عثمانی، بر جایگاه اساسی نهاد روحانیت با محوریت شیخ الاسلام نیز توجهی بایسته نشده است. این در حالی است که شیخ الاسلام در مقام برتر در حاکمیت عثمانی بوده و به سبب اهمیت جایگاهش تأثیر زیادی در تحولات حکومتی داشت.

در مسائل حقوقی و دینی، حرف آخر را شیخ الاسلام می‌زد و نیز در مسائل روزمره مانند اعلان اخبار جنگ و تأیید برنامه‌های اصلاحی و تغییرات حکومتی، به فتوای شیخ الاسلام نیاز بود. از جمله کارهایی که شیخ الاسلام انجام می‌داد این بود که از طریق فتوا دادن مشخص کند، آیا قیامی که علیه دولت صورت گرفته، شرعی است

یا غیر شرعی؟ و اگر خواسته‌ها و مطالبات آنها قانونی و یا غیر قانونی باشد، چگونه باید با آنها برخورد کرد؟

همچنین نامگذاری و انتصاب علما بر عهده شیخ الاسلام بود. شیخ الاسلام در رأس نهاد دینی قرار داشت، همانند صدراعظم که در رأس نهاد دنیوی دولت عثمانی بود. در این کتاب به نقش نهاد شیخ الاسلام می‌پردازیم؛ نقش و جایگاهی که به مدت طولانی، از اواسط قرن ۱۰ تا ۱۶م تا اواخر قرن ۱۲ق/ ۱۸م [به طور جدی] نقش برجسته‌ای در تحولات ایفا کرد.

اکرم کیدو

مقدمه هاشم الایوبی

دولت عثمانی تا اوایل قرن بیستم میلادی از موازنه‌ای اساسی در سیاست بین‌الملل برخوردار بود. دستیابی به چنین جایگاهی در طول قرن بیستم برای این دولت امکان‌پذیر نبود، مگر با توسعه زیرساخت‌های ترانسپورت و دوام حکومت و توان مقابله با چالش‌های داخلی و خارجی را فراهم ساخت. دولت عثمانی باید زیربناهای مادی و معنوی خود را به صورت هم‌توسعه می‌بخشید، چرا که دولتی اسلامی بود و قوانین اسلام بر تمامی جوانب زندگی دنیایی را دربرمی‌گیرد. یکی از مهمترین این زیربنای نهاد شیخ‌الاسلام بود. شیخ‌الاسلام یا مفتی اعظم به عنوان بالاترین شخصیت مذهبی در کنار صدراعظم که بالاترین جایگاه دنیوی را داشت، به شمار می‌رفت. سلطان در رأس این دو، هم زمام امور دینی و هم دنیوی هر دو را در اختیار داشت. لازم به ذکر است شیخ‌الاسلام در جایگاه رسمی که از آن برخوردار بود، در بحبوحه درگیری‌های سیاسی و بحران‌ها نقش مهمی ایفا می‌کرد.

داستان من با این کتاب به اوایل دهه هفتاد برمی گردد. زمانی که رساله دکتری خود را در دانشگاه ارلانگن نورنبرگ^۱ آلمان آماده می کردم، در آنجا با هم دانشگاهی خود اکرم کیدو که در رشته ادبیات تطبیقی مشغول به تحصیل بود، آشنا شدم، وی پایان نامه خود را درباره منصب شیخ الاسلام نوشته بود، همان موقع تصمیم به ترجمه اثر وی گرفتم، اما شرایط آن روز اجازه ترجمه را نداد. اکرم کیدو بعدها سامسون^۲ به اکرم شارکیو اغلو تغییر داد و بعدها در سال ۱۹۷۰م استاد تاریخ ایران تطبیقی دانشگاه سامسون^۲ ترکیه گشت و بعدها ریاست دانشگاه الهیات را نیز بر عهده گرفت.

تمام تلاش من، انجام ترجمه ای دقیق و تحت اللفظی بود که بسیار نزدیک به اصل متن باشد مگر زمانی که با ویژگی های زبانی عربی در تعارض قرار بگیرد. در این مسیر، به ویژه در ترجمه اصطلاحات ترکی، اعلام و اسامی اماکن مشکلات زیادی داشتم. حل این مشکلات با مراجعه به منابع عربی، آلمانی و گاهی ترکی و تطبیق آنها با یکدیگر میسر می گردید. برای پایان کتاب فهرستی از اسامی شیخ الاسلام های یاد شده در متن کتاب بر اساس ترتیب زمانی تهیه شده است. این امر بر اساس استخراج و جمع آوری اطلاعات از کتاب و تطبیق آن با منابع دیگر انجام شده است. در اینجا لازم است

^۱ . Universität Erlangen-Nürnberg

^۲ . Samsun

به این نکته اشاره کنم بسیاری از مطالب پاورقی کتاب را به متن افزوده‌ام و این کار به این دلیل بود که مشخص شد وارد کردن آنها به متن خللی در آن ایجاد نمی‌کند به خصوص آنکه قراردادن آنها در پاورقی مناسب به نظر نمی‌رسید.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از همکارم استاد اکرم کیدو شارق‌خواه، به خاطر همکاری‌اش به ویژه در خواندن و ترجمه برخی از فته‌ها تشکر کنم. همچنین از استادم پروفیسور ف. فیشر، رئیس دانشگاه، طالبات خاورمیانه دانشگاه ارلانگن نورنبرگ کمال سپاس را دارم که بر اساس رساله اشراف کامل داشت و در خلال ترجمه از هیچ کمک درین نکرد. از خداوند مسئلت دارم ما را همواره از علم و دانش بهره‌مند سازد.

دکتر هاشم‌الایوبی

مقدمه برگردان فارسی

نهاد شیخ الاسلام و یا همان «باب مشیخت»^۱ در دولت عثمانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. پس از سلطان و وزیراعظم، شیخ الاسلام فرد سوم دولت عثمانی به شمار می‌رفت، به دیدار هیچ مقامی جز سلطان، نمی‌رفت و در بسیاری از امور مهمه حکومتی طرف مشورت سلطان و وزیراعظم قرار می‌گرفت. مسئول مستقیم امور دینی در - نامه عثمانی بود و به تعبیر یکی از تاریخ‌پژوهان عثمانی «شیخ الاسلام» بر حنیفه زمان به شمار می‌رفتند.^۲

بدون تردید رای دینی که ادعای خلافت را نیز یدک می‌کشید، منصب و مقام شیخ الاسلامی می‌توانست از اهمیت بسزایی برخوردار باشد، اداره حکومتی، منابع که امنه قدرت و سیطره سیاسی‌اش سه قاره بزرگ جهان (آسیا، اروپا، آفریقا) را درگیر کرده بود، صرفاً با گفتمان سیاسی محض مقذور نبود و می‌بایست برای آن ایدئولوژی مسلطی نیز تعریف و تبیین می‌شد. در تاریخ مشیخت نهاد دین شاید مهمترین وظیفه و رسالتی که بر عهده داشت، تبیین گفتمان مشروعیت بخشی و حقانیت‌سازی دولت عثمانی بود، چه در درون مرزهای

^۱ به «باب فتوا» و «فتواخانه» نیز معروف بود. بنگرید:

Mehmet Zeki Pakalın, Osmanlı Tarih Deyimleri ve Terimleri Sözlüğü, İstanbul, M.E.B., ۲۰۰۶

^۲ تا زمان سلیمان قانونی، «باش مفتی» خوانده می‌شدند، سلطان برای بالا بردن شأن معنوی آنان، عنوان شیخ الاسلام را به طور رسمی به جای «باش مفتی / مفتی‌باشی» برابن

مقام اعطاء کرد. بنگرید: Düzdağ, s. ۸.

سیاسی‌اش و چه بیرون آنها. بنابراین لازم بود «باب مشیخت» از مقام و موقعیت برتری در هیئت حاکمه برخوردار باشد. از این روست که در خیلی از تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی، رد پای نهاد متبوعه را به وضوح می‌بینیم. از اعلان در باب جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها و صلح‌ها و عزل‌های مهم و تاثیرگذار در سطح سلطان گرفته تا اظهارنظر درباره حرمت نوشیدن قهوه و ... قدرتی که دولت عثمانی ایجاد کرده بود، از جنس دانشی بود که در «باب مشیخت» نهفته است.

بنابراین نیاز موطوعه‌ای در ساختار دولت عثمانی میان سلطان و شیخ الاسلام وجود داشت. همانند نیاز دو سوبه‌ای است که در مناسبات خلیفه - سلطان در عالم شریعت و پاپ - امپراتور در عالم غرب در طول تاریخ مشاهده کردیم.

بر اساس تاریخ لطفی، سالنامه علمیّه عثمانی و تاریخ امپراتوری عثمانی اثر هام پورگشتال، ملا محمد شمس الدین فنا‌ی افندی (۸۳۴ - ۷۵۱/ق ۱۴۳۱ - ۱۳۵۰م) نخستین شیخ الاسلام با عنوان «موسس حکومت عثمانی» که مربوط به دوره سلطان مراد دوم (۸۴۸ - ۸۲۴/ق ۱۴۴۴ - ۱۴۴۲) است.^۱ ولی گفته می‌شود عثمان غازی (موسس حکومت عثمانی) پدرزن خود ادیالی را به عنوان مفتی و داماد دورسون فقیه را به

^۱ Duzdağ, s. ۸, Altunsu, s. XIV

عنوان قاضی تعیین کرده بود.^۱ بنابراین می‌توان گفت نهاد دین از همان ابتدای تأسیس دولت عثمانی به طور غیررسمی یک متولی و نماینده در ساختار این حاکمیت داشته است؛ چه با عنوان رسمی «شیخ الاسلام» و یا غیررسمی «مفتی»، «باش مفتی»، «قاضی» و ...

هر چقدر دولت عثمانی به عهد طلایی خود نزدیکتر می‌شد، نهاد شیخ الاسلام نیز قدرت و نفوذ بیشتری در ساختار حکومتی پیدا می‌کرد. نویی رشت و سرنوشت نهاد دین و نهاد دولت کاملاً به یک گره گره خورده بود. نمونه اعلای چنین وضعیت همسویی را می‌توانیم در دوره اوج قدرت دولت عثمانی یعنی عهد سلیمان قانونی ببینیم. موفق‌ترین و قدرتمندترین سلطان عثمانی، سلیمان باشکوه و جالب اینکه پرنفوذترین شیخ الاسلام عثمانی، ابوالسعود افندی، شیخ الاسلام سلیمان قانونی بود. در این دوره، همراه و معتمد سلطان عثمانی که در بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها، حکمتی طرف مشورت سلیمان قانونی قرار می‌گرفت، حتی سخت‌ترین خصم سلیمان که قتل صدراعظم و صمیمی‌ترین دوست خود یعنی برادرش پاشا بود، با مشورت و راهنمایی ابوالسعود افندی صورت گرفت. باید بتوان از این موقعیت ممتازی که سلطان سلیمان قانونی و شیخ الاسلام ابوالسعود افندی در تاریخ دولت عثمانی داشتند، این برداشت آزاد را داشت که صعود و افول نهاد دولت و نهاد دین در این ساختار،

^۱ Düzdağ, s. ۲

بسیار به هم تنیده و وابسته بود؛ همانند پیوند ناگستنی قدرت و دانش در همه ساختارهای سیاسی.

اما آنچه در پیوند این دو نهاد گفته آمد، بدان معنا نیست که مناسبات این دو در تاریخ عثمانی همواره شرایط ثابتی داشته و دچار تغییر و تحول نگشته است، از این حیث اگر بخواهیم به تاریخ نهاد شیخ الاسلامی در عثمانی نگاهی کلان محور بیفکنیم، می‌توانیم ادعا، کتب نقطه عطف، سال ۱۲۴۱ق/۱۸۲۶م است. زمانی که محمود دوم در عصر پیشاتنظیمات، به دنبال انحلال اجاق پنی‌جری‌ها و تأسیس سپاه بدیدن به نام «محمدیه منصوره»، شیخ الاسلام را هم وارد «دیوان همایون» کرد. عنوان یکی از اعضای رسمی هیئت دولت معرفی نمود.^۱ تا این زمان باب مشیخت چندان زیر نظارت سلطان نبود، شیخ الاسلام در خانه خود به امور دینی می‌پرداخت و بر اساس سؤالاتی که به او ارجاع می‌شد، دستور فتوا اقدام می‌کرد. حال این فتوا در راستای منافع عمومی دولت عثمانی بود و یا نه، چندان قابل مهار و نظارت نبود. اما در این سال با اقدامی که صورت گرفت، باب مشیخت همانند یکی از دیوان‌های دولت دربار

^۱ البته در دیوان همایون، شیخ الاسلام بر وزیران دیگر مقدم بود و نام او پیش از همه آنان و حتی پیش از خدیو مصر ذکر می‌شد و برخلاف وزیران، سلطان او را انتخاب و نصب می‌کرد. پیش از تنظیمات، دو تن از علمای دین با عنوان «قاضی عسکر» در دیوان همایون حضور داشتند که پس از عضویت یافتن شیخ الاسلام در دیوان همایون، به باب مشیخت پیوستند. بنگرید: دانشنامه جهان اسلام، «باب مشیخت».

و نظارت بیشتری بر آن صورت گرفت. محمود دوم بنای پشت مسجد سلیمانیه را که بیشتر محل استقرار آغای بنی چری‌ها بود به باب مشیخت اختصاص داد؛ این بنا از این زمان به بعد به نام «باب مشیخت» و «باب فتوا» نامیده شد.

علاوه بر این کار، با تأسیس وزارت عدلیه و معارف در دوره تنظیمات، امور قضایی و تعلیم و تربیت به تدریج از حوزه اختیارات شیخ^۱ سرزمین خارج گردید. ضمن این که، محمود دوم با خارج کردن اختیار احوال و قفی از دست باب مشیخت، قدرت مالی آن را نیز تضعیف کرد. بر این اساس می‌توان گفت نهاد شیخ الاسلام پیش از سال ۱۲۴۱ ق/ ۱۸۰۹ م استقلال بیشتری برخوردار بود، ولی از این سال به بعد نهاد، کاملاً وابسته به دولت و زیر سایه آن تبدیل شد. طی ۴۹۸ سال از ۱۶۴۲ تا ۱۸۵۰ م دولت عثمانی که نهاد شیخ الاسلام نهادی رسمی بود، ۱۲۹ شیخ الاسلام بر مسند ریاست این نهاد دینی تکیه زدند. ۱۸۵ بار این مسند دست به دست گشت و ۵۴ بار عالمانی که به عنوان شیخ الاسلام روی کار آمدند رای بار دوم و بیشتر این مقام را به دست آوردند.^۲

شیخ الاسلام عموماً از میان اتباع ترک عثمانی انتخاب می‌شد، اما استثناهایی هم وجود داشت، برای نمونه، ملا عبدالقادر از یکی از

^۱ دانشنامه جهان اسلام، «باب مشیخت» و ۹، s. ۳۶۳. Duzdağ, s. ۹.

^۲ Altunsoy, s. XI.

صرب‌ها و یا کروات‌ها بود؛ پدر ملاخسرو اصالت فرانسوی داشت. ریشه نژادی قاضی احمد شمس‌الدین افندی نیز به یک مملوک می‌رسید. پیری‌زاده محمد صاحب افندی از دوشیرمه‌ها^۱ بود، ولی نژادش معلوم نبود. عوض پاشا زاده ابراهیم بیگ افندی تبارش به کرات‌ها می‌رسید، حاجی خلیل افندی گویا گرجی تبار، عبدالرحمان نصیب افندی آلبانی‌الاصل وحیدری‌زاده ابراهیم افندی نیز تبری‌ای داشت. البته در این میان وضعیت فخرالدین عجمی و عرب‌زاده مدد عطا الله افندی مبهم است و دقیقاً نمی‌دانیم اصالت نژادی او به کج می‌رسد.

در عثمانی باب مشیخت^۲، عنوان نهادی دینی، بیشتر در مقابل برنامه اصلاحات نشان داده شده است. نیازی برکس^۳ بیش از دیگر تاریخ‌پژوهان عثمانی بر این طبل کوبیده است.^۴ اما صاحب این قلم ترجیح می‌دهد بیشتر با کمال کاربات^۵ و انتشار همراه باشد که در اثر گرانسنگ خود به نام «اسلام سیاسی در عثمانی» از این مدعا دفاع می‌کند که موافقان و مخالفان برنامه اصلاحات در عثمانی همه اسلام‌گرایانی بودند که با قرائت‌های مختلف از آموزه‌های دینی، پروژه اصلاحات توجه کردند و به حرکت آن خواسته و یا ناخواسته.

^۱ - دوشیرمه شخصی از میان بنی‌چریان و از میان فرزندان مسیحیان بودند نو مسلمان و غیرترک بودند. (ویراستار)

^۲ . Niyazi Berkes

^۳ . Niyazi Berkes, Türkiye'de Çağdaşlaşma, yay. Haz: Ahmet Kaya, İstanbul: YKY, ۲۰۰۲

شتاب بخشیدند.^۱ او برخلاف نظر نیازی برکس، اساساً به این که در دولت عثمانی اندیشمندان سکولاری وجود داشتند، که بخشی از بار برنامه‌های اصلاحی عثمانی را بر دوش کشیده باشند، اعتقادی ندارد. بر این اساس می‌توان گفت نهاد شیخ‌الاسلام در تاریخ عثمانی گرچه علمایی را در این مقام معرفی کرده است که تمام قد در مقابل برنامه اصلاحات ایستادند و با کمک نظامی بنی‌چری‌ها، مدتی حرکت این قطار را کند یا متوقف کردند، اما با این حال در مواردی شیخ‌الاسلامی را در هیئت حاکمه به میدان فرستادند که خود به شدت از مدافعان برنامه اصلاحی بودند و برای به ثمر رسیدن آن، تلاش‌های جانفرسایان را خوب نشان دادند.^۲ بنابراین شاید سخت باشد قضاوت مطلق در این باره ارائه کنیم، گرچه در تاریخ باب‌مشيخت واضح و مبرهن است که کمال‌الملک وظه‌کاری بر کفه اصلاح‌طلبی و نوگرایی سنگینی می‌کند.

حسن حضرتی سید محمد، ضی‌مصطفوی‌نیا

تهران، نورالدین ۱۳۹۵

^۱ Kemal H. Karpat, *İslam'ın Siyasallaşması*, Çeviren: Şiyar Yalçın, İstanbul, ۲۰۰۴.

^۲ برای آگاهی بیشتر در این زمینه، بنگرید: حضرتی، حسن، *مشروطه عثمانی*، تهران،

پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۸۹.